

بدحجابی، پیامدها و آثار آن از منظر آیات و روایات

□ محمدامین صابری *

چکیده

حفظ حجاب و پوشش اسلامی از دستورات مهم دین اسلام است که ریشه در آیات قرآن و روایات دارد. با وجود این، برخی از زنان به سمت بی حجابی و یا بدحجابی گرایش دارند. این گرایش از عواملی سرچشمه می گیرد. مانند: تمایلات باطنی و دورنی زنان، خودنمایی و جلب توجه دیگران، چشم و هم چشمی با دیگر زنان در جامعه، تهاجم فرهنگی و گسترش فرهنگ متبذل غربی در جوامع اسلامی، آشنا نبودن برخی از زنان مسلمان به جایگاه حجاب در شریعت اسلامی، بی غیرتی مردان نسبت به پوشش زنان شان در جامعه اسلامی. علاوه بر عوامل و پیامدهایی زیادی که بدحجابی در جامعه دارد، آثار فردی و اجتماعی و خانوادگی زیادی هم در پی دارد که آثار فردی آن عبارت است از: اختلال روانی در فرد و مشغول شدن ذهن زنان به تمایلات و تخیلات پوچ و بی معنی، آزار جنسی زنان از ناحیه مردان هوس باز و بدکار و هرزه، سقوط ارزش زن در جامعه و زمینه سازی برای انواع لذت های نا مشروع، زمینه سازی ردایل اخلاقی در باطن انسان و رو آوردن زنان به مدپرستی و هوا پرستی و... آثار اجتماعی هم دارد که عبارتند از: بر افروختن شهوت درونی مردان و در ضمن چشم چرانی برای رسیدن به امیال نفسانی، سلب آرامش جسمی و روحی از افراد جامعه، افزایش جنایت و حوادث مرگبار در اثر درگیری ها و نزاع های فردی و خانوادگی، گسترش تهمت های ناروا به زنان و دختران بدحجاب. بدحجابی آثار مخرب خانوادگی هم دارد که عبارت است از: بی رغبتی به ازدواج، افزایش طلاق و متلاشی شدن استحکام خانواده و...
واژگان کلیدی: بدحجابی، پیامدها، آثار، قرآن، روایات.

* دانشجوی دکترای تخصصی دانشگاه ادیان و مذاهب (گرایش: فرق تشیع).

مقدمه

در جامعه‌ای که با فرهنگ اسلامی زندگی می‌کند، رعایت برخی از شرایط زندگی، الزامی و گریزناپذیر است؛ حتی اگر شخصی ایمان محکمی هم داشته باشد باید آنها را رعایت کند؛ زیرا او در میان زنجیره‌ای از باورها و آداب و رسوم اجتماعی زندگی می‌کند که همسوی با آنها یک ضرورت اجتماعی است و گرنه جامعه دچار هرج و مرج و بی‌قانونی می‌شود که به نفع هیچ‌کس نیست.

یکی از باورها در جامعه ما، مساله حجاب و عفاف است که از مبانی و تعالیم اسلام سرچشمه می‌گیرد و اسلام به لزوم رعایت آن تأکید می‌کند و به طوری که خواهیم دید، هم نص صریح قرآن و هم روایات بسیاری که از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده به روشنی بر آن دلالت می‌کند.

مسئله پوشش زن در خلقت ذات پروردگار عالم، جایگاه بلندی دارد و در شرایع آسمانی به عنوان یک اصل مطرح بوده است. اسلام نیز در مورد پوشش زن، صلاح و خیر جامعه را در نظر گرفته، حجاب را لازم شمرده است تا عفت بیرونی زن با عفت درونی او هماهنگ گردد و بنیان خانواده مستحکم گردد.

الزام پوشش اسلامی برای زن برای حفظ عفت اوست، نه زنجیر اسارتی بر دست و پای او، و نه سدی در برابر تکامل فکری و علمی و هنری زن؛ بلکه وسیله‌ای است برای تعالی روح و ایفای مسئولیت‌های فردی و اجتماعی او.

قوانین الهی قوانینی است از بهترین آفریدگار «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون/۲۴) برای بهترین آفریده «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین/۴) با بهترین قانون «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» (زمر/۵۵) این قوانین با احاطه کامل بر ابعاد وجودی انسان و ارزیابی همه جانبه و همسو با سیر تکامل هستی وضع می‌گردد و سعادت انسان را تامین می‌نماید. مسلماً پیروی از قوانین الهی فواید بی‌شماری را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد و نادیده گرفتن هریک از آنها زیان‌های بی‌شماری را به دنبال خواهد داشت و یکی از این قوانین، قانون حجاب است که از احکام ضروری اسلام می‌باشد.

با وجود اهمیت فراوان حجاب در اسلام، امروزه شاهد کم توجهی جمعی از دختران و زنان جامعه اسلامی به این فریضه هستیم؛ لذا پژوهش حاضر در صدد بعد از مفهوم شناسی، عوامل و آثار بدحجابی را از دیدگاه آیات و روایات مورد بررسی قرار بدهد.

مفهوم شناسی

برای پوشش بانوان از واژه‌های گوناگونی چون حجاب، جلباب و خمار استفاده می‌شود که بازشناسی آنها کمک شایانی به مفهوم دقیق پوشش اسلامی می‌کند، از این رو در این پژوهش ابتدا به بررسی واژه‌ها می‌پردازیم.

حجاب

حجاب در لغت به معنی پوشش، پنهان کردن، مانعی که از داخل شدن، جلوگیری می‌کند. (سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱، ص ۱۰۳). پرده در پرده کردن، پوشانیدن و نگه داشتن از بیرون آمدن، استعمال شده است. (ابوالقاسم راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ص ۱۰۸).

در کلمات فقها، از قدیمی ترین ایام تا کنون در مورد پوشش زنان، معمولاً کلمه ستر به کار رفته است. در روایات اسلامی نیز همین تعبیر یا شبیه آن وارد شده است، به کار رفتن حجاب در پوشش زنان، اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما پیدا شده است. (مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، قم، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۴۰۲).

جلباب

جلباب که جمع آن جلابیب است در تعیین حدود حجاب نقش مهمی دارد و بازشناسی دقیق آن در شناخت محدوده پوشش تاثیر فراوانی خواهد داشت. در معنی جلباب اختلاف است، در قاموس قرآن می‌نویسد: جلباب، پیراهن و لباس گشاد و کوچک تر از ملحفه یا چیزی مثل ملحفه که زن لباس‌های خود را با آن می‌پوشاند. (قاموس قرآن، ص ۴۲). راغب اصفهانی آن را پیراهن و روسری گفته است. (مفردات راغب اصفهانی، ص ۹۵). یا روسری که زن وقت خروج از

منزل سرو صورتش را با آن می پوشاند. به طور کلی، جلباب، لباسی است از چارقد بزرگ تر و از قبا، کوچک تر، لباس بالایی و چادر مانند که زن به وسیله آن سرو سینه خود را می پوشاند. (لسان العرب، ج ۱، ص ۲۷۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸، ه.ق.)

خمار

خمار که جمع آن خمر است به معنای پوشش می باشد. (قاموس قرآن، ص ۴۲). اصل خمر به معنی ستر و پوشاندن است. راغب اصفهانی می نویسد: خمر به معنی پوشاندن شیء به آنچه چیزی را می پوشانند. (مفردات راغب، ص ۱۵۹). و در عرف مردم خمار مخصوص شده به آن چه زن سر خود را با آن می پوشاند.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای زنان در مقابل نامحرم، چهار پوشش ویژه معرفی شده است. «عن النبی صلی الله علیه و آله: لِلْأَبْنِ وَالْإِخِ مَا فَوْقَ الدَّرْعِ وَلِغَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ أَرْبَعَةُ أَثَوَابٍ: دِرْعٌ وَحِمَارٌ وَجَلْبَابٌ وَآزَارٌ.» (احمد بن علی، طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۵، تهران، ناصر خسرو. تفسیر نو الثقلین، ج ۳ ص ۶۲۴)

«زن در پیش برادر و فرزند خود اگر یک پیراهن بپوشد که تا زانوان یا ساق پای او مستور باشد کافی است ولی در نزد نامحرم، زن باید چهار لباس داشته باشد: پیراهن، روسری یا مقنعه، چادر و شلوار.»

حجاب شرعی

از نظر اسلام چهار چوب واجب پوشش و حجاب زنان از ابتدای بلوغ، پوشاندن تمام بدن و موها به استثنای صورت و مچ دست ها به پایین در مقابل نامحرم است که طبق نظر مشهور فقها، پوشاندن آن واجب نیست؛ البته بعضی از فقهای فعلی، به طور احتیاط وجوبی، پوشاندن صورت و دست ها را نیز لازم می دانند، ولی حتی افرادی که پوشاندن آن را واجب نمی دانند، در اصل مطلوبیت و استحباب آن بحثی ندارند. (حسین مهدی زاده، حجاب شناسی، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه.)

طبق نظر مشهور، پوشاندن صورت و مچ دست ها به پایین لازم نیست؛ به شرط اینکه:

(الف) این دو عضو دارای زینت نباشد. ب) کسی به آنها به قصد لذت و هوس نگاه نکند. بنابر این، اگر کسی به قصد لذت بردن به آن دو نگاه کند یا صورت و دست‌ها دارای زینت و آرایش باشد، می‌بایست صورت و دست‌ها را هم بپوشاند. (جعفر سبحانی، فلسفه حجاب و زیان‌های فساد، قم، انتشارات ارم، ص ۱۲۴-۱۲۳).

از امام خمینی رحمته الله علیه سوال شده چنانچه زن با خود زینت داشته باشد مانند حلقه ازدواج یا انگشتری در دست یا چهره او آراسته باشد، آیا واجب است وجه و کفین (صورت و دست) را بپوشاند؟ فرموده‌اند: پوشاندن از نامحرم در فرض مذکور واجب است. همچنین از حدود حجاب اسلامی برای بانوان سوال شده است آیا لباس بلند آزاد و شلوار و روسری کفایت می‌کند؟ و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر نامحرم باید رعایت شود؟ فرموده‌اند: واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دست‌ها تا میچ از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند مانعی ندارد، ولی پوشیدن چادر بهتر است و از لباس‌هایی که توجه نامحرم را جلب کند باید اجتناب شود. (محمد وحیدی، احکام بانوان، ص ۴۰، قم، مرکز انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷).

حضرت فاطمه زهرا (س) بهترین الگوی تربیتی زن مسلمان، در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم، از پوشش‌های خاصی، مثل جلباب (چادر) و برقع (روپوش صورت) استفاده می‌کردند، علاوه بر این، یکی از حوادثی که بیانگر کیفیت حجاب حضرت فاطمه (س) در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، آمدن ایشان به مسجد برای دفاع از قضیه فدک است. در جریان غم‌انگیز غصب فدک، آمده است: وقتی ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند که حضرت را از فدک محروم نمایند، ایشان با شکل خاصی از حجاب و پوشش برای دفاع از حق خویش از منزل به مسجد آمدند. راوی شکل حاصل حجاب حضرت را این‌گونه توصیف نموده است:

لَا تُتْ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا اشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَ أَقْبَلَتْ فِي لُحْمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءِ

قَوْمِهَا. تَطَأُ ذُبُولَهَا (احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳،

ج ۱، ص ۹۷) «حضرت زهرا عليها السلام هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم بر سر بستند و

جلباب و چادر را به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید، به تن کردند و به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد

حرکت کردند. قضیه فوق‌گویی آن است که پوشش بیرون از منزل حضرت خمار و جلباب بوده که قرآن به عنوان حجاب زنان در بیرون منزل و مواجهه با نامحرم، از آن یاد کرده است (مهدی زاده، حجاب شناسی، ص ۷۴-۷۳).

حجاب در قرآن

در قرآن کریم و احادیث برای تعیین حجاب واجب زنان از چند نوع پوشش خاص، نام برده شده است که دو نوع معروف آن «خمار» و «جلباب» است.

در قرآن کریم و احادیث برای تعیین حجاب واجب زنان از چند نوع پوشش خاص، نام برده شده است که دو نوع معروف آن «خمار» و «جلباب» است.

در سوره نور فرموده است: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور/۳۱) که از آن استفاده می‌شود که زنان باید سر، سینه و دوش خود را با خمار بپوشانند. و در سوره احزاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/۵۹).

«ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویش را با چادر فرو پوشند که این کار، برای اینکه آنها به عفت و آزادگی شناخته شوند تا از تعرض و جسارت هوس رانان آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است.»

در آیه دیگر می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب/۵۳).

«هنگامی که از همسران رسول الله چیزی از وسایل زندگی می‌خواهید از پشت پرده بخواهید، این کار دل‌های شما و آنها را پاک تر می‌کند.»

بد حجابی

با توجه به مطالب گذشته و مباحث آینده در این نوشتار، مراد ما از حجاب، پوشش اسلامی است و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام وجوبی اسلام، این است که زن، هنگام حضور در جامعه و معاشرت با مردان نامحرم، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و

خودنمایی نپردازد، اما آنچه حرام است، بدحجابی، یعنی عدم رعایت صحیح پوشش اسلامی زن در مقابل نامحرم و جلوه‌گری و خودنمایی او می‌باشد.

افراد بدحجاب به گروه‌های مختلف قابل تقسیم هستند که به سه گروه عمده آنها اشاره می‌کنیم:

گروه اول: کسی که محدوده حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کند.

زن برهنگی را دوست ندارد، اما اگر ایمانش کامل نباشد و ارزش خود را با پوشیدگی به دست نیاورد بر خلاف میل باطنی‌اش ممکن است برای نیل به این منظور از برهنگی کمک بگیرد و محدوده حجاب اسلامی را رعایت نکند. علت این کم توجهی به حجاب در بعضی دختران و زنان، بی‌اطلاعی از فوائد و آثار پوشیدگی و پیامدهای ناپوشیدگی است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد زنان بی حجاب با بدحجابی که با رو آوردن به شهوات، محدوده حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند، می‌فرمایند:

يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ - وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ - نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ ، مُتَبَرِّجَاتٌ مِنَ الدِّينِ ، دَاخِلَاتٌ فِي الْفِتَنِ ، مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ ، مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ ، مُسْتَحِلَّاتٌ لِلْمُحَرَّمَاتِ ، فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ (صدوق، من لايحضره الفقيه، قم جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ هـ، ج ۳، ص ۳۹۰، ح ۴۳۷۳. محمد بن الحسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ج ۲، ص ۳۵)؛ در آخر زمان و هنگام نزدیکی قیامت - که بدترین زمان هاست -، زن های برهنه و لخت، آشکار می‌گردند که از دین، فاصله گرفته و در فتنه ها داخل شده‌اند، تمایل به شهوات دارند و به سمت خوشی‌ها و لذت‌ها شتابان‌اند، محرمات را حلال می‌شمرند، و در دوزخ جاودانه‌اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنان را از پوشیدن لباس‌های نازک باز می‌داشت، عایشه می‌گوید: روزی خواهرم اسماء، در حالی که لباس‌های نازک و بدن نما پوشیده بود به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، چون رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهرم را دید صورتش را برگرداند و فرمود: ای اسماء چون دختر به حد بلوغ رسید نباید چیزی را از بدنش دیده شود مگر این و آن (و اشاره کرد به چهره و دست‌ها از مج پایین). (سنن ابن داوود، ج ۴، ص ۶۲).

همچنین امام علی علیه السلام از پوشیدن لباس نازک نهی کردند و فرمودند:

عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثَّيَابِ؛ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ (شیخ صدوق، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳، هق، ج ۲، ص ۶۲۲. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۱۸۴)؛ بر شما لازم است لباس ضخیم که بدن نما نباشد، بپوشید؛ زیرا هر کسی که لباسش نازک است دینش همچون لباسش نازک و ضعیف است.

گروه دوم: کسی که از پوشش تحریک کننده (از نظر رنگ و مدل و...) استفاده می کند. حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است، بعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن حرام بودن خودنمایی در برابر نامحرم است. این دو بعد باید در کنار همدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود، گاهی ممکن است بُعد اول باشد ولی بعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است. گاهی مشاهده می کنیم که بسیاری از زنان که محدوده حجاب را رعایت کرده اند، در پوشش خود از رنگ های تحریک بر انگیز استفاده می کنند که به اندام شان زیبایی خاصی می بخشد و در عین حال پوشیده بودن بدن، زیبایی آنها آشکار است، گوئی که اصلاً لباس نپوشیده اند. (حجاب شناسی، ص ۲۰).

آری، پوشیدن لباس های نازک، چسپان و پر از زرق و برق، طفره رفتن از حجاب و پوشش اسلامی است. زنان باید پوشش خود را به گونه ای حفظ کنند تا به دیگران بفهمانند که آنها زنان پاک دامن هستند و شایسته ربه و طمع نامحرمان نیستند. (محمد علی، کریمی نیا، حجاب دختران، قم، نشر جمال مهدی، ۱۳۸۱، ص ۴۴).

گروه سوم: کسی که در صورت و دست ها زینت خود را آشکار می سازد و با آرایش، آن را در معرض دید نامحرم قرار می دهد. اسلام به زیبایی ارجحی ویژه می نهد و آن را منش خدائی می داند، انسان بر حسب فطرت الهی، به زیبایی می گراید. اسلام که آئین فطری است زیبایی و آرایش را گرامی داشته، به کار بردن عطر و زینت برای زن را از آداب پسندیده اسلامی می داند. البته شکی نیست که زینت زن و به کار بردن عطر و آرایش برای شوهر در درون خانواده مطرح است و آنچه زنان از آن منع شده اند به کار بردن عطر و آرایش برای بیرون رفتن از خانه و در مقابل نامحرم قرار گرفتن است. (حجاب دختران، ص ۴۱-۴۰). قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى». (احزاب/۳۳) «هرگز مانند جاهلیت نخستین آرایش و خود آرائی نکنید.»

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ زَوْجَتُكَ الَّتِي تَضَاجَعُكَ وَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ.» «بدترین شما زنانی هستند که در برابر بیگانه آراسته‌اند ولی نزد شوهر پوشیده‌اند (آراستگی لازم را ندارند). (فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۵-۳۲۴. نهج الفصاحه، ص ۳۹۲).

و در کلام دیگر می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مُتَعَطِّرَةً وَ الزَّوْجُ بِذَاكَ رَاضٍ، بَنَىٰ لِزَوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٌ فِي النَّارِ.» (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۴۹، ح ۳۸. جامع الأخبار: ص ۴۴۷ ح ۱۲۵۹).

پیامدهای بدحجابی

از آن جایی که بدحجابی دارای پیامدهای زیادی است و نمی‌شود همه آنها را در یک پژوهش آورد؛ لذا در اینجا مهم‌ترین عواملی که باعث پیدایش، رشد و گسترش بدحجابی شده‌اند را یادآور می‌شویم.

۱. تمایلات باطنی

یکی از علل پیدایش بدحجابی در جامعه، تمایلات باطنی و درونی زنان است. برخی از زنان به پوشیدن روسری کوتاه و نازک و لباس‌های مبتذل مبادرت می‌ورزند و میل شدیدی به خودنمایی در آنها وجود دارد، اگر زندگی، روحیات و حالات درونی آنها به دقت مورد مطالعه و کاوش قرار گیرد، معلوم خواهد شد که در عمق روان خویش از کمبودهایی رنج می‌برند که عکس‌العمل خارجی آن به صورت بدحجابی و خودنمایی و جلب توجه دیگران جلوه پیدا می‌کند؛ تمایلاتی از قبیل راحت‌طلبی، میل به خودنمایی، احساس حقارت و خودباختگی از جمله انگیزه‌هایی است که موجب تشدید گرایش به بدحجابی و ابتذال می‌گردد.

کسانی که به خاطر نارسائی‌های تربیتی و عاطفی، محبت‌های افراطی یا تفریطی و... در خویش احساس حقارت و کمبود شخصیت می‌نمایند، برای جبران این نقیصه به هر کاری دست می‌زنند. از جمله می‌کوشند تا با پوشیدن لباس‌های غیر متعارف و آرایش‌های نامناسب توجه دیگران را به خود جلب کنند. (فتحی زاده، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، قم، انتشارات تبلیغات اسلامی، ص ۱۸۵).

زمانی که این گونه افراد راهنمایان درستی نداشته باشند، شخصیت دروغین و بی پایه برای خود رقم می‌زنند. با کمال تأسف سرمایه داری غرب با بهره‌گیری از تئوری‌های روان‌شناسان خود، مسابقه‌ای پایان ناپذیر را میان افراد جوامع، به خصوص زنان و دختران جوان در امر ظاهری و پوشش و آرایش و مد و مدل دامن زده است.

۲. خودنمایی

خودنمایی از ویژگی‌های بارز زنان است. زن به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را در دام علاقه به خود اسیر سازد، دختران و زنان جوان، بیشتر به خودنمایی و جلب توجه دیگران می‌پردازند. آنان معمولاً سعی می‌کنند ظاهری دل‌فریب از خود نشان دهند و از توجه به شخصیت واقعی و باطنی و کمالات روحی فرد غفلت می‌ورزند.

در حقیقت آنچه که باعث تحریک مرد می‌شود همان خودنمایی و خود آرائی و جلوه‌گری دل‌فریب است که قرآن کریم آن را «تبرج» خوانده است و از آن نهی می‌کند. «قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى.» (احزاب/۳۳). «مانند جاهلیت نخستین به خودنمایی و خود آرائی از خانه بیرون نشوید.»

استاد شهید مطهری رحمته‌الله می‌نویسد:

شرافت زن اقتضا می‌کند هنگامی که از خانه بیرون می‌رود، متین، سنگین و با وقار باشد و در طرف رفتار و لباس پوشیدنش هیچ‌گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد و عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند. بودن زن در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است موجب کرامت و احترام بیشتر اوست؛ زیرا او را در تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق مصون می‌دارد. (مرتضی مطهری، ۱۳۶۸: ۸۵-۸۶).

۳. هم‌چشمی با دیگران

از دیگر عوامل بدحجابی زنان و دختران جامعه امروزی، چشم و هم‌چشمی در جامعه است، گویا بدحجابی را علت پیشرفت و سربلندی زن و خانواده در میان اقوام و دوستان می‌دانند، و همواره خود را با دیگران مقایسه می‌کنند. البته رقابت سازنده در امور علمی و معنوی از

زمینه‌های رشد انسان است و در فرهنگ اسلامی جایگاه خاصی دارد. اما رقابت ناسالم از نظر اسلامی، مردود است و ارزشی ندارد، قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ» (طه/۱۳۱. حجر/۸۸).

«هرگز چشم خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنه داده‌ایم می‌فکن.»

بسیارند زنان و دخترانی که می‌خواهند در امور مادی برابر و یا برتر از دوستان و اقوام خود باشند و از این رو به بهانه‌های چون دست و پاگیر بودن حجاب برای کار و تلاش، یا جذب خواستگار و... به پیروی از هوس‌های نفسانی پرداخته، زیبایی‌های خود را آشکار کرده، به تدریج بدحجاب می‌گردند.

۴. تهاجم فرهنگی

فرهنگ ستیزان در جامعه اسلامی، دشمنان داخلی هستند که از عوامل مؤثر در ترویج فرهنگ مبتذل غربی در جامعه می‌باشند. برخی از آنان در برابر پیشرفت‌های مادی و صنعتی غرب آن چنان دچار خودباختگی و خود کم بینی شدند که فتوای «باید از فرق سر تا ناخن پا فرنگی شد» صادر کردند، از این برای اینکه از قافله تمدن عقب نمانند، سعی کردند در تمامی حرکات و رفتار و پوشش و آرایش ظاهری خویش ادای غربی‌ها را در آورند، چون آنها راه بروند و... به این ترتیب زمینه فرهنگی، اجتماعی پذیرش لباس غربی و بی‌حجابی را تأمین کردند؛ آنان اسلام را نمی‌شناختند و به غرب خوش‌بینی مطلب داشتند. (ستار هدایت، زیور عفاف، مشهد، انتشارات معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش خراسان، ص ۱۶۰).

علاوه بر این، گروه‌های دیگری با عناوین مختلف، هنرمند، روشن فکر و... برای زدودن ارزش‌های اسلامی و رهایی از قوانین شرعی الهی، برای از بین بردن ارزش‌های جامعه اسلامی از حجاب زنان تلاش شگرفی بکار گرفتند. اینان با ساختن فیلم‌های مبتذل، وارد کردن پوسترها و عکس‌های عریان، چاپ نوشته‌های خارجی بر لباس‌ها و ارائه مدل‌های گوناگون مو و دوخت لباس و شلوار تنگ و کوتاه و... روش‌ها و منش‌های انسانی و فرهنگ اسلامی را از جوامع اسلامی گرفته و فرهنگ بیگانگان را ترویج می‌کنند.

وقتی فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در جامعه دگرگون شود، تلقی زن از شخصیت و ارزش خود، عرضه وجود و نمایاندن آرایه‌ها و زیبایی‌هاش می‌شود و به این ترتیب بدحجابی زیاد می‌شود.

۵. آشنا نبودن به جایگاه حجاب

یکی از علل بدحجابی عده‌ای از خانواده‌های مسلمان، عدم آشنائی با احکام و حدود حجاب و پوشش اسلامی، مسأله محرم و نامحرم و ندانستن اهمیت و ضرورت حجاب و مضرات بی‌حجابی است. کم نیستند خانواده‌هایی که هنوز مرز دقیق محرم و نامحرم را نمی‌شناسند و در ارتباطات خانوادگی با سر و روی برهنه در کنار هم به گفتگو و خنده می‌نشینند.

بر این نا آگاهی، بی‌دقتی را هم باید افزود؛ زیرا بسیاری از زنان مسلمان و نمازخوان را می‌بینی که با پای بدون جوراب در کوچه در مقابل دید نامحرم ظاهر می‌شوند، گویا تصور می‌کنند همان گونه که در نماز، پوشیدن پا تا میج واجب نیست، پوشاندن آن از نامحرم هم واجب نیست و یا با پیراهن آستین کوتاه در زیر چادر و یا بدون روسری برای خرید به خیابان می‌روند و هنگام پرداخت پول به مغازه دار، دست و گردن و موهایشان نمایان می‌شود. زیاد مشاهده می‌شود که زنان با پوشاندن جوراب‌های نازک در مسجد یا در صحن‌های متبرک حرم امام رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (علیه السلام) حضور پیدا می‌کنند، یا در برابر دیدگان صدها تن نامحرم وضو می‌گیرند، نمونه‌های بسیاری از این بی‌دقتی‌ها را می‌توان شمرد.

«رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: خیلی از خانم‌ها هستند که متدین و مسلمان هستند به انقلاب هم عقیده دارند ولی مسأله حجاب برایشان روشن نیست، حرفی ندارد حجاب را رعایت کند، اما واقعا حجاب در ذهن آنها مسأله است باید به اینها پاسخ داده شود، اما ابهامی نداری برای ما روشن است ولی باید برای همه روشن بشود، این کاری است فرهنگی که بنده زیاد رویش اصرار دارم.» (محمد تقی رهبر، حجاب و آزادی، ص ۲۵).

۶. بی‌غیرتی مردان

تاثیر متقابل زن و مرد، در روابط خانوادگی و در سرنوشت فرزندان‌شان، از اصول غیر قابل انکار در تربیت اجتماعی اسلام است، مرد و زن از یکسو می‌توانند با همکاری‌های متقابل، در

اصلاح یکدیگر بکوشند و ضعف‌ها را جبران نمایند و به مصداق «و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» (عصر/۳) یکدیگر را به حق و راستی توصیه نمایند و از سوی دیگر آنها به عنوان ولی و مربی نسبت به فرزندان‌شان، مسئولیت جدی‌تری در شکل دادن هویت اخلاقی آنان دارند.

در مسأله حجاب که موضوع بحث کنونی ماست، گرچه مرد و زن، هرکدام تکلیف مختص به خود را دارند، اما از آن رو که به مصداق «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء/۳۴) «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهداری است.» مرد در زندگی زن، نقش قیومیت دارد، مسئولیت او در پاسداری از عفاف زن، جدی‌تر مطرح می‌گردد، لذا در روایات اسلامی، از غیرت و مسئولیت مرد، در معاشرت‌ها و رفت و آمد و نوع پوشش همسر و دختران، نمونه‌های بسیاری به چشم می‌خورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ، وَإِنَّ الْمَذَاءَ مِنَ النِّفَاقِ.» (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۴) «غیرت، از ایمان است و بی غیرتی از نفاق.»

در زمینه غیرت ناموسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مُنْكَوَسُ الْقَلْبِ.» (کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۵۳۶) «هرگاه مرد غیرت نداشته باشد، قلبش وارونه است.»

بی‌غیرتی ویژه کسانی است که به مسخ ارزش‌های انسانی دچار گشته، فطرت اخلاقی را از دست داده و مستوجب لعنت و نفرین خدا گشته‌اند، اینان از جلب نظر مردان اجنبی به نوامیس خود، ابا و امتناعی ندارند و حتی خود به فساد آنان دامن می‌زنند. (حجاب و آزادی، ۲۳۸). بر عکس افرادی که با خودخواهی‌ها و شهوات نفسانی مبارزه می‌کنند و ریشه‌های حرص و آز و طمع و ماده پرستی را در وود خود نابود می‌کنند، به تمام معنی انسان و انسان دوست می‌گردند و خود را وقف خدمت به خلق می‌کنند و حس خدمت به نوع در آنان بیدار می‌شود، چنین اشخاصی غیرتمند و نسبت دادن به دختران و همسر خود، حساس‌تر می‌گردند. (مسأله حجاب، ص ۶۳).

آثار بدحجابی

بدحجابی دارای آثار زیادی دنیوی و اخروی است که در این پژوهش نمی‌شود همه آنها را برشمرد بلکه به تعداد مهمی از آثار فردی، اجتماعی، خانوادگی اشاره می‌کنیم.

۱. آثار فردی

الف) اختلال روانی

یکی از آثار بد و ناگوار بدحجابی و ابتذال در پوشش، ایجاد اختلالات روانی در فرد می باشد، بعضی از زنان بر اساس نیاز ذاتی و فطری خود برای جلب رضایت محیط به خودآرائی و جلوه‌گری پرداخته، فکر و اندیشه خود را خواسته یا ناخواسته در بعد تمایلات و تخیلات پوچ، محدود می کنند. پوشش ناقص زن در جامعه فشارهای جبران ناپذیر بر روان، اعصاب و شخصیت او وارد می سازد چرا که او در این حالت خود را در معرض پاسخ گویی به تهاجم نظرها و افکار مختلف می بیند و از محقق ساختن شخصیت خود عاجز می ماند، در این صورت یا بسوی بی تفاوتی و بی قیدی کشیده می شود و یا به تخیلات و اعمال نامناسب دست می زند، که در هر دو صورت خود و اطریانش را از نظر روانی، عقلانی و فرهنگی در معرض سقوط قرار می دهد.

شهید مطهری رحمته الله علیه در این زمینه می نویسد: «روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است، اشتباه است که گمان می کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد، همان طور که بشر در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی شود و اشباع نمی گردد، در امور جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سر نمی شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است با نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آروها که به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری های روانی می گردد. چرا در دنیای غرب این همه بیماری های روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی انجام می شود.» (مسأله حجاب، ص ۸۸-۸۷).

بدحجابی در جامعه سبب نقش بازی کردن او در اسلوب ها و مدل های گوناگون می شود، این اعمال او را به صورت موجودی بی اختیار و بی اراده به هر طرف می کشد و دیگر بر زندگیش

تسلط آگاهانه نخواهد داشت، در زندگی و اعمال خود، نظر دیگران را ترجیح می‌دهد که برای جلوگیری از این امور منفی، حجاب بهترین درمان می‌باشد. (حبیب‌اللهی، حسین، حجاب در بی‌حجابی، قم، انتشارات داوری، ص ۲۵-۲۴، ۱۳۷۳ ه.ش.)

ب) آزار جنسی

یکی از آثار بدحجابی، آزار و اذیت زنان به وسیله مردان بدکار است. جوانان هرزه با دیدن سرو وضع نامناسب زنان، آنان را دنبال کرده و آزار می‌دهند، چه بسیار دختران و زنان جوان، از برخورد افراد ناهل که بر سر راه آنها می‌نشینند و با مزاج و سخنان ناروا آنها را آزار می‌دهند و مزاحم آنان می‌شوند، متنفر هستند و این جوانان هرزه را مانع آزادی و فعالیت‌های خویش می‌دانند. در موارد زیادی دختران، مورد آزار جنسی مردان ناهل قرار می‌گیرند که ضرر و زیانش یک عمر گریبان‌گیر آنهاست.

قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْزَوَاجِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (احزاب/۵۹). ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده) خداوند همواره غفور و رحیم است.

در شأن نزول این آیه آمده است هنگام شب موقعی که زنان برای نماز مغرب و عشا به مسجد می‌رفتند، بعضی از جوانان هرزه بر سر راه آنها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا، آنها را آزار می‌دادند و مزاحم آنها می‌شدند، آیه فوق نازل شد و به زنان دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند (تا از کنیزان و آلودگان و یهودیان) شناخته شوند و مورد آزاد قرار نگیرند.» (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۵).

ج) سقوط ارزش زن

بدحجابی مقدمه بی‌بندباری و زمینه ساز لذت‌های شهوانی نامشروع است. اگر دختری از

حجاب بی بهره باشد هرگونه توجهی به او جنبه شهوانی دارد، در نتیجه ارزش های راستین او فراموش می گردد. به همین جهت تا زمانی جاذبه ظاهری دارد، مورد توجه است و چون این جاذبه از بین می رود، احساس غربت، پوچی و پشیمانی می کند.

آری بدحجابی ارزش های راستین دختران را تحت الشعاع ظواهر جنسی شان قرار می دهد و آنان را فدای هرزگی ها و هوس رانی های شیادان می سازد. بدحجابی ارزش زنان را از بین می برد و او را تا حد یک کالا پست می کند، زنی که تن و اندام خود را در معرض دید همگان می گذارد و آنچه را که به جنسیت او مربوط می شود به کوچه و بازار می کشد، در حقیقت می خواهد با تکیه بر زنانگی خویش، جای خود را در جامعه باز کند نه با تکیه بر انسانیت خویش، در واقع او بدین ترتیب اعلام کند که آنچه برای او اصل است، زن بودن اوست نه انسان بودن و نه اندیشه و لیاقت و کارایی او، چنین زنی قبل از هر چیز اسیر خود است. او به مغازه داری شبیه است که دائما در فکر تزیین و تغییر دکوراسیون ویتروین مغازه است. (غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی، سروش، ص ۵۹).

این اندیشه به او مجال آروزهای بزرگتر را نمی دهد. در این صورت زن نمی تواند با ویژگی های اخلاقی، علم و آگاهی و دانائی اش جلوه کند و حائز مقام والایی گردد. هر قدر زن از شخصیت معنوی و زیبایی های ظاهری و جسمانی و خودنمایی و تن آرائی، بی نیاز می بیند و همان گونه که حجاب رمز پاکی و بازیابی شخصیت زن مسلمان است، چنین زنی دیگر در خود کمبودی احساس نمی کند و ارزش خویش را در تن آرائی و خودنمایی و لباس های رنگارنگ و حرکات هوس انگیز نمی داند.

در مقابل زنان فاقد شخصیت و بدحجابی که به نمودهای ظاهری و تجمل و تنوع می پردازند و به سراغ اسباب آرایش و زیور آلات جالب تر و لباس شیک تر می پردازند، از آن قشر زنانی هستند که از سرمایه های معنوی محرومند و جمال معنوی، برای آنان نامفهوم است. اینان کمبود خویش را بدین گونه جبران می کنند و عطش شخصیت یابی را از این طریق فرو می نشانند. (حجاب و آزادی، ص ۲۳۱).

د) زمینه سازی رذایل اخلاقی

بدحجابی منشأ پاره‌ای از رذایل اخلاقی در باطن فرد می‌گردد. «ابتدال در لباس» «ابتدال در اخلاق» می‌آورد و «مد پرستی» «هواپرستی» را در پی دارد، چه بسیار افرادی که به علت ابتدال در پوشش، دچار بیماری‌های کبر و غرور و عجب و ریا و... می‌گردند و چه بسیار کسانی که به خاطر مدپرستی که منشأ جز هواپرستی ندارد، در دام انواع مفاسد و معاصی گرفتار می‌آیند. صادق آل محمد علیه السلام هنگام بیان ویژگی‌های لباس مطلوب مؤمن، وی را از پوشیدن لباس‌هایی که رذایل اخلاقی چون عجب و ریا و تکبر و... از آنها پدید می‌آید منع می‌کند و می‌فرماید: «وَأَمَّا اللَّبَاسُ يَحْمِلُكَ عَلَى الْعُجْبِ وَالرِّيَاءِ وَالتَّزْيِينِ وَالتَّفَاخُرِ وَالْخِيَلِ فَإِنَّهَا مِنْ آفَاتِ الدِّينِ وَمَوْرِثَةُ الْقِسْوَةِ فِي الْقَلْبِ.» (عبدالرزاق گیلانی، ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام. تهران، پیام حق، ص ۶۹، ۱۳۷۷ ه. ش.). «لباست، لباسی نباشد که تو را به گناه خودپسندی، ریا، آراسته نشان دادن، مباهات به دیگران، فخرفروشی و تکبر آلوده کند؛ که تمام اینها از آفات دین و موجب سختی دل است.» از این روایت معلوم می‌شود که پاره‌ای از پوشش‌ها چنین خاصیت و پیامدهای سوئی را به همراه دارند. (زیور عفاف، ص ۱۱۰)

آثار اجتماعی بدحجابی

الف) بر افروختن شهوت

بدحجابی زن در جامعه آتش هوس را در اندرون مرد می‌افروزد، مردان کم اراده و سست عقیده را به چشم چرانی وا می‌دارد، زنان بدحجاب با لباس و شکل و شمایل ظاهری خود هر جوانی را وسوسه می‌کنند، مگر اینکه مردان به آیات قرآن عمل کرده و چشم‌های خود را از نگاه نامحرم فرو گیرند. قرآن کریم می‌فرماید: «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند. چشم چرانی بیماری مهلک و خانمان براندازی است که مقدمه ورود در بسیاری از گناهان است در اثر چشم چرانی، بعضی از مردان با انواع حيله و فریب‌ها، دوشیزگان معصوم و ساده لوح را فریب می‌دهند و سرمایه عفت و آبروی شان را بر باد می‌دهند و به وادی فساد و بدبختی

رهسپارشان می سازند.)) (امینی، بانوی نمونه، ص ۱۳۰).

چشم چرانی در سخنان معصومین علیهم السلام تیر زهرآلود از تیرهای شیطان معرفی شده است که بدحجابی زنان مقدمه آن محسوب می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ ، وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۰، ح ۲۵۳۹۵). نگاه تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است. چه بسا یک نگاه که حسرت طولانی در پی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَاهُمَا اللَّهُ، عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ، وَ حَشَاهُمَا نَارًا حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۱). «هر کس چشمان خود را از زن نامحرمی پر کند، خداوند عز و جل در روز قیامت دو چشم او را با میخ های آتشین پر سازد و آنها را پر از آتش کند [و همچنان باشد] تا زمانی که خداوند کار داوری میان مردم را به پایان رساند، آنگاه دستور داده شود او را به دوزخ برند.

روشن است که بدحجابی زنان مهم ترین عامل زمینه ساز این رفتار ناپسند در جوانان به شمار می رود.

ب) سلب آرامش

زندگی مادی و معنوی و تکامل انسان بستگی به شرایط و عوامل مختلفی دارد که مهم ترین آنها سلامتی جسمی و روحی است. بشر با توجه به اهمیتی که برای سلامتی خود قائل است، همواره در جه حفظ و تأمین سلامت خود کوشیده و با ایجاد مراکز علمی پژوهشی و ساخت واکسن های پیش گیری کننده و داروهای مختلف برای سلامتی خویش، نهایت سعی و تلاش را انجام داده و می دهد.

انسان موجودی است نسبتاً ضعیف و تاثیرپذیر، چنان که جسم او بیمار شود، روح تاثیرپذیر بیمار می گردد و حالت طبیعی و اعتدال خود را از دست می دهد. (حجاب در پی حجابی، ص ۳۶-۳۷).

بنابر این تنها پیش‌گیری از بیماری‌های جسمی نمی‌تواند سلامتی کامل انسان را تضمین نماید، بلکه جامعه باید از هرچیزی که سلامت و سعادت انسان را تهدید می‌کند به دور باشد تا انسان با آرامش در آن زندگی کند و رشد و تعالی یابد.

متأسفانه بدحجابی زنان در جامعه سبب بیماری‌های روحی و روانی جوانان می‌گردد، غریزه شهوت را از مسیر خود منحرف می‌سازد و سبب طغیان بی‌رویه آن می‌گردد. یک خانم بدحجاب، خرمن عمر جوانان را در آتش هوس و شهوت می‌سوزاند، راحتی و آسایش را سلب می‌کند، عقل و اراده و فکر آنان را تحت الشعاع نیاز همراه با حرص و آز که قناعت‌پذیر نیست قرار می‌دهد تا حسرت جنسی بر آنان غالب شده و آنها را به تباهی کشاند.

بدحجابی باعث بیداری قبل از موعد غریزه جنسی می‌شود و مسیر زندگی جوان را دستخوش تغییر می‌کند و موجب گرفتاری و نابودی او می‌گردد در حالی که غریزه یکی از نعمت‌های الهی برای ادامه حیات و بقاء نسل و ایجاد جوشش و انگیزه و عشق و تشکیل خانواده بوده و در اصل برای حیات و آرامش بشر قرار داده شده است.

ج) وقوع حوادث دردناک

بدحجابی سبب افزایش جنایت و حادثه‌آفرینی در جامعه می‌شود. بی‌تردید سرچشمه بسیاری از حوادث مرگ بار، درگیری‌ها و نزاع‌های فردی و خانوادگی، قتل و جنایات، از بدحجابی و خودنمایی زنان آغاز می‌گردد. وقتی در کوچه و خیابان یا در مجلس مهمانی و عروسی مختلط و همنشینی زنان با مردان، نگاه مردان به زن بی‌حجاب یا بدحجاب افتاد، سرو و صورت آرایش کرده زن جوان از یک سو و ادا و اطوارها و راه رفتن و سخن گفتن آن چنانی از سوی دیگر، نگاه مرد را تندتر و طولانی‌تر می‌نماید، در نتیجه همین نگاه‌های به ظاهر ساده موجب حوادث مرگ بار، تصادفات، ردو خوردها و جنایات بی‌شمار می‌گردد. (زیور عفاف، ص ۹۹).

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«من جالس النساء فلا بد له من الزنا ولا بد للزانی من النار.» (حسن بن الحسن دیلمی،

ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۴، انتشارات شریف رهنی، ۱۴۱۲ ه.ق.) سرانجام کسی که

همنشینی و اختلاط با زنان کند، زنا می‌باشد و سرانجام زناکار آتش جهنم است.

د) افزایش تهمت و بد گمانی

یکی از آثار بدحجابی، سوء ظن افراد جامعه و تهمت زدن به زنان و دختران بدحجاب است. از آنجا که بدحجاب بر خلاف فرهنگ جامعه اسلامی، حجاب اسلامی را رعایت نکرده و با پوشش و ظاهر نامناسب به جامعه وارد می گردند، ممکن است مورد سوء ظن افراد جامعه واقع شوند، افراد جامعه می گویند چنین شخصی که به این راحتی احکام الهی را زیر پا نهاد و از غضب الهی نمی ترسد چه بسا خلاف های دیگری را انجام می دهد.

اسلام از حقوق زنان با حجاب و با ایمان دفاع می کند و در سوره نور می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. « (نور/۲۳). کسانی که زنان پاکدامن و بی خبر [از هرگونه آلودگی] و مؤمن را متهم می سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی دور شدند و عذاب سختی برای آنهاست.

امیر المؤمنین علی علیه السلام در ضمن گفتاری به فرزندش امام حسین علیه السلام می فرماید:

وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَلَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكِ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ (نهج البلاغه/نامه ۳۱). با پوششی که بر زنان قرار می دهی دیده آنان را از دیدن مردمان باز دار؛ زیرا سختی حجاب آنان را پاک تر نگاه می دارد، و بیرون رفتن زنان از خانه بدتر از این نیست که افراد غیر مطمئن را بر آنان درآوری، و اگر بتوانی چنان کن که غیر تو را نشناسند. روشن است که یکی از موارد حفاظت از بانوان، حفاظت از آنان در برابر سیل شایعات و تهمت های نارواست.

امام علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ!». « (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۹).

«کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند!.

بنابر این، زنی که به پوشش کامل خود اهمیت نمی دهد، نمی تواند مانع بروز حرف و حدیث های یاوه گویان شود کما اینکه نمی تواند آنان را مورد ملامت قرار دهد.

۳. آثار خانوادگی

الف) بی‌رغبتی به ازدواج

در جامعه‌ای که بی‌بندوباری در پوشش و به تبع بی‌بند و باری جنسی رواج دارد، بسیاری از لذت‌های جنسی که عامل گرایش به ازدواج است به راحتی در دسترس افراد قرار می‌گیرد، و این امر از میزان علاقه و گرایش به ازدواج در افراد می‌کاهد.

بعضی از لذت‌های جسمی، سمعی و بصری و احیاناً لمسی که باید در نهان خانه زناشویی با انتظار و به زحمت بیه دست آید، بی‌حجابی و بدحجابی، آن را آسان، رایگان و همه جایی می‌سازد و از اهمیت ازدواج و شوق زناشویی می‌کاهد. (زیور عفاف، ص ۸۹)

استاد مطهری رحمته‌الله در این زمینه چنین می‌فرماید: «... علت اینکه جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می‌شود، جواب می‌دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه‌ایم و یا به عناوین دیگر از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند همین است؛ حال آنکه در قدیم یکی از شیرین‌ترین آرزوهای جوانان ازدواج بود. جوانان پیش از آنکه به برکت دنیای اروپا کالای زن این همه ارزان و فراوان گردد، شب زفاف را کم از تخت پادشاهی نمی‌دانستند. ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می‌گرفت و به همین دلیل زوجین یکدیگر را عامل نیک بختی و سعادت خود می‌دانستند، ولی امروز به دلیل کامجویی‌های نامشروع در سطحی وسیع دلیلی بر آن اشتیاق‌ها وجود ندارد. (مساله حجاب/ص ۸۹/۹۰).

ب) افزایش میزان طلاق

بی‌بندوباری در پوشش و حجاب، موجب تحریک است و تحریک بنیاد خانواده را متلاشی می‌کند. غریزه جنسی یکی از علل مهم ازدواج و به وجود آمدن خانواده است، اما پس از ازدواج هرچه زمان می‌گذرد نقش غریزه جنسی در حفظ و دوام خانواده کمتر می‌شود و به جای آن نقش عشق، تفاهم و وفاداری در بقای خانواده بیشتر می‌شود، بدحجابی آفت زندگی خانوادگی است. در حالی که نه تنها در اسلام بلکه در همه مرام‌های اجتماعی جهان این نتیجه حاصل شده است که خانواده باید محفوظ بماند، زن و مرد باید دلبسته و وفادار بکدیگر

باشند، تا آشیانه دل پذیری برای فرزندان خویش بنا کنند و بر تربیت آنها، آینده جامعه خویش را ترسیم کنند، زنان بدحجاب تمامی همت خود را مصروف خونمایی در خارج از منزل می‌کنند و این باعث می‌شود تا ذوق و شوقی برای آراستگی در برابر همسر نداشته باشند، و از سوی دیگر بدحجابی دیگران، زمینه را برای دل بستگی مرد به همسر، نامساعد می‌کند.

در جامعه که بدحجابی در آن حاکم است، هر زن و مردی همثاره در حال مقایسه کردن است. مقایسه آنچه دارد با آنچه ندارد، این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر دامن می‌زند، زنی که سال‌ها در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است اندک اندک بهار چهره‌اش شکفتگی خود را از دست می‌دهد و روی در خزان می‌گذارد، در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است و ناگهان زن جوان‌تری با بدحجابی خود و پوشش نامناسب خود به همسر او فرصت مقایسه‌ای می‌دهد و این مقدمه‌ای می‌شود برای ویرانی اساس خانواده و برباد رفتن امید زنی که جوانی خود را از دست داده است.

همه زنان بدحجاب جوان باید بدانند که هیچ جوانی نیست که به میان سالی و پیری نرسد، اگر امروز آنان جوان و با طراوتند، در فردای بی طراوتی آنان باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای فردای خانواده آنان همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده‌ها ایجاد می‌کنند. (حداد عادل، ص ۶۹-۷۰).

آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش بی حجابی و بدحجابی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زنا شونی در دنیا به طور مداوم بالا رفته است چرا که هر آنچه دیده بیند دل کند یاد، و در هرچه دل در اینجا یعنی هوس‌های سرکش بخواهد، به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود و به این ترتیب هر روز دل به دلبری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴۴).

به این ترتیب لازمه زندگی مشترک، مهریزی، محبت، قبول یکدیگر با تمام خصوصیات، قبول مسئولیت و گذشت است. مردی که از تربیت معنوی و تقوای دینی برخوردار نیست، طبعاً هوس خود را به زندگی مشترک ترجیح می‌دهد. در مقابل حجاب اسلامی و تقوای زن و شوهر

سبب استحکام بنیان خانواده می‌گردد.

نتیجه

از مطالب فوق، نتیجه می‌گیریم که برای زنان و دختران از شروع بلوغ، پوشش اسلامی یعنی پوشاندن تمام بدن و مو به استثنای صورت و دست‌ها تا مچ، در مقابل نامحرم واجب است؛ لذا قرآن کریم و روایات بر اهمیت و جایگاه و حفظ حجاب تاکید فراوانی نمودند؛ لذا حجاب در جامعه اسلامی یک امر لازم و ضروری است که زنان مسلمان باید طبق قرآن و سنت آن را حفظ نموده و به عواقب دردناک بی‌حجابی یا بدحجابی توجه کنند؛ چون بدحجابی در جامعه اسلامی، پیامدهای جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. علاوه بر اینکه پیامدهای منفی در جامعه دارد، آثار فردی و اجتماعی و خانوادگی ویران‌گری هم در پی دارد که به برخی از آثار آن اشاره کردیم.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه

- احمد بن علی، طبرسی، **مجمع البیان**، تهران، ناصر خسرو. تفسیر نو الثقلین.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، **خصال**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳، ه.ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴، ه.ق.
- امینی، ابراهیم، **بانوی نمونه / اسلام**، قم، دار التبلیغ اسلامی، ۱۳۴۹، ه.ق.
- پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، قم، ناشر: انصاریان، ۱۳۸۳، ه. ش.
- حبیب الهی، حسین، **حجاب در بی حجابی**، قم، انتشارات داوری، ۱۳۷۳ ه. ش.
- حداد عادل، غلامعلی، **فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی**، تهران، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی، سروش.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، قم مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث.
- دیلمی، حسن بن الحسن، **ارشاد القلوب**، انتشارات شریف رهنی، ۱۴۱۲ ه.ق.
- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد، **مفردات فی غریب القرآن**، دفتر نشر کتاب.
- رهبر، محمد تقی، **حجاب و آزادی**.
- سبحانی، جعفر، **فلسفه حجاب و زیان های فساد**، قم، انتشارات ارم، شعبه حجتیه.
- شعیری، تاج الدین محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ناشر: حضرت عباس (علیه السلام)، ۱۳۹۲، ه. ش.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، **من لایحضره الفقیه**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ه.ق.
- طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳، ه.ق.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه. **تفسیر نور الثقلین**، قم، چاپ: چهارم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ه.ق.
- فتاحی، فتحیه، **حجاب شناسی از دیدگاه قرآن و سنت**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ه. ش.
- قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱، ه. ش.

- کریمی نیا، محمد علی، *حجاب دختران*، قم، نشر جمال مهدی، ۱۳۸۱، ه. ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *فروع کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- گیلانی، عبدالرزاق، *ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه*، منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، تصحیح و تنظیم، رضا مرندی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷ ه. ش.
- مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، *شرح فروع کافی*، قم، ناشر: دار الحدیث للطباعه والنشر، ۱۴۲۹، ه. ق.
- مجلسی، محمد باقر. *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار*. چاپ دوم، تهران: ناشر اسلامیه، ۱۳۶۳ ه. ش.
- مطهری، مرتضی، *مساله حجاب*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، ه. ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، قم، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ه. ش.
- مهدی زاده، حسین، *حجاب شناسی*، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم.
- وحیدی، محمد، *احکام بانوان*، قم، مرکز انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.
- هدایت خواه، ستار، *زیور عفاف*، مشهد، انتشارات معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش خراسان، ۱۳۷۵، ه. ش.

